

بررسی و نقد گونه‌های معنایی واژه «نشط» در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم

زهرا حیدری آبروان^{۱*}، بی‌بی حکیمه حسینی^۲

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران
۲- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده مشهد، ایران

پذیرش: ۹۶/۶/۵

دریافت: ۹۶/۲/۱۲

چکیده

واژگان تک‌کاربرد نسبت به سایر واژگان در قرآن کریم، نیاز به دقت بیش‌تری در ترجمه دارند؛ زیرا گزینه‌های توضیحی دیگری در سایر آیات نداشته و این فقدان مصداق و سیاق آیه مشابه، بازگردانی آن‌ها را با دشواری همراه کرده است. فعل «نشط» یکی از واژگان تک‌کاربرد در قرآن کریم است که تنها یک‌بار در آیه ۲ سوره نازعات مورد اشاره قرار گرفته است. به نظر می‌رسد مترجمان در برخورد با این واژه، گونه‌های مختلفی از ترجمه را در پیش گرفته و دچار تشتت آراء شده‌اند. پژوهش حاضر با هدف تحلیل داده‌ها و انتخاب ترجمه برتر، با روش دسته‌بندی رویکردهای مترجمان و تحلیل داده‌های قرآنی، اقدام به بررسی و نقد گونه‌های معنایی ارائه شده توسط ایشان نموده تا به این مسأله پاسخ گوید که نهایتاً کدام رویکرد دارای اعتبار بیشتری است؟

رهاورد پژوهش چنین است: مترجمان سه روش تحت‌اللفظی، وفادار و تفسیری را در ترجمه این آیه به کار گرفته‌اند؛ اما حقیقتاً هیچ‌یک نتوانسته است تمامی موازین نهفته در حقیقتِ واژه را رعایت نماید. در نتیجه لازم است در بازگردانی این آیه تجدیدنظر صورت گیرد.

واژگان کلیدی: ناشطات، قرآن کریم، نازعات، نشط، ترجمه‌های فارسی قرآن

۱- مقدمه

از صدر اسلام و همزمان با فتوحات اسلامی که منجر به ورود این دین مبین به مناطق فتح شده گردید و نیز با توجه به این که قرآن، کتاب مقدس مسلمانان و منبع اصلی آموزه‌های دین اسلام بود، ترجمه به‌عنوان یک ضرورت، نمود یافت و عالمان مسلمان، به تدریج به برداشتن گام‌های عملی در مسیر ترجمه و نظریه‌پردازی در این باره سوق پیدا کردند (پاکتچی، ۱۳۹۲: ۱۷). اگرچه همواره مخالفان و موافقانی در خصوص ترجمه قرآن کریم وجود داشته است؛ در عین حال ترجمه‌های قرآن به هر زبانی که باشد، همواره در معرض نقد و نیازمند سنجش مکرر هستند.

دلیل دیگر اهمیت سنجش ترجمه‌های قرآن کریم، وجود کلماتی در این کتاب مقدس است که تنها یک‌بار به کار رفته است و به علت قلت استعمال، وجهی از غرابت به خود گرفته است. از آنجا که فهم مفهوم دقیق این کلمات به علت تک‌کاربرد بودن دچار قلت تدقیق نیز شده و اکثراً در مورد آن‌ها پژوهش‌های عمیقی صورت نگرفته است، پرداختن به معنانشناسی این لغات می‌تواند برای مفسرین و مترجمانی که گرفتار تساهل در پژوهش نشده‌اند، راه‌گشا باشد.

آنچه در پیشینه این جستار قابل ذکر است اثری تحت عنوان «پژوهشی درباره واژگان تک‌کاربرد در قرآن کریم» است که برگرفته از رساله دکتری نویسنده می‌باشد.^۱ این اثر به دلیل نگارش عمومی و کلی آن، قابلیت تسری به تمام واژگان تک‌کاربرد قرآن کریم را نداشته و برای هر واژه لازم است پژوهشی جداگانه انجام گیرد؛ و این هدفی است که پژوهش حاضر در پی آن بوده است.

یکی از سوره‌های قرآن که لغات تک‌کاربرد در آن وجود دارد «نازعات» است. در این سوره واژگان «نُشَط»، «نُخْرَة»، «طامَة»، «غَطش»، «سَهْر»، «سَمکَه» و «دحا» تنها یک‌بار در قرآن به کار رفته است و بررسی معنایی هریک، به فهم معنای سوره کمک شایانی

خواهد نمود؛ اما در این پژوهش به علت محدودیت گفتار تنها به بررسی واژه «نشط» پرداخته شده است.

نکته دیگر حائز اهمیت، اعتقاد نگارندگان بر عدم وابستگی کامل معناشناسی واژگان قرآن به متون و ریشه‌شناسی زبان‌هایی همچون سامی، آرامی و امثال آن است؛ زیرا این زبان‌ها اگرچه پیش و همزمان با نزول قرآن مورداستفاده همسایگان جزیره‌العرب بوده‌اند و در فهم معانی متعددی که برخی واژگان قرآن می‌تواند داشته باشد، کمک شایانی خواهند کرد، اما وابسته دانستن فهم متن قرآن و لزوم مراجعه به این زبان‌ها برای درک مفاهیم قرآن، تا حدی با یگانگی متن قرآن در تضاد است؛ چراکه به دلیل جاودانه بودن این کتاب آسمانی و محدودیت‌های فراوانی که در فهم زبان‌های مذکور وجود دارد، اگر برای مردمان هر عصر که قرآن به دست ایشان می‌رسد این سخن جای‌گیر شود که فهم الفاظ قرآن وابسته به زبان‌های دیگر است، از اعتبار متن این کتاب آسمانی کاسته خواهد شد. به همین لحاظ نگارندگان معتقدند در فهم الفاظ تک‌کاربرد می‌توان با محور قراردادن قرآن و معناشناسی لغوی کلمات به معنای حقیقی و ریشه‌ای واژه دست یافت؛ زیرا علی‌رغم عدم وجود تکرار سیاق و اصل واژه، استفاده از سایر موارد همچون سیاق کلی سوره، آیات پیشین و پسین و تفحص در کتب لغت، کمک شایانی در درک معنای این کلمات و بازگردانی صحیح آن‌ها در ترجمه‌های قرآن خواهد داشت. بر همین اساس روش پژوهش در این جستار، تحلیل و مقایسه داده‌ها است. بدین معنا که ابتدا داده‌های درون‌متنی به دست آمده از ترجمه‌های فارسی قرآن کریم براساس انواع روش ترجمه، بررسی شده است، سپس به منظور پاسخ به مسأله پژوهش و نقد و انتخاب بهترین ترجمه، داده‌های قرآنی در دو سطح از کل به جزء، مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱- سیاق آیات پیشین و پسین یا به نوعی سیاق کل سوره

۲- سیاق واژگانی که البته به دلیل عدم تکرار واژه در کل قرآن نمی توان از سیاق موضوعی واژه در کلیت قرآن کریم استفاده نمود و بررسی لایه اول تنها بر فهم لغوی و اصطلاحی آن با استفاده از کتب لغت استوار است

در نهایت نتایج به دست آمده از بخش اول مقاله بر مطالب به دست آمده از بخش دوم عرضه شده است. لذا ساختار مقاله در چهار بخش کلی تنظیم گردیده است.

در بخش اول تنها به تفکیک ترجمه های فارسی این آیه در ذیل روش های ترجمه پرداخته شده است.

در بخش دوم مفهوم واژه با استفاده از سیاق های ذکر شده ارائه گردیده است.

در بخش سوم که تحلیل و تطبیق است، معانی به کار برده توسط مترجمان و نیز برتری و کاستی هریک از رویکردهای ایشان در ذیل آیه بررسی شده است.

در بخش چهارم بهترین روش ترجمه برای این آیه و شاید قابل استفاده برای آیاتی با واژگان تک کاربرد پیشنهاد گردیده است.

لازم به ذکر است، به دلیل تقسیم بندی های متنوع روش های ترجمه در این پژوهش، تنها به ارائه توضیح مختصری درباره آن نوعی از ترجمه پرداخته شده است که از منظر نگارندگان، ترجمه های فارسی آیه ۲ سوره نازعات در ذیل آن قابل معرفی و تبیین است.

۲- گونه های معنایی در ترجمه های فارسی قرآن

از همان هنگام که به امر ترجمه پرداخته شد، انواع و روش های آن نیز مورد توجه قرار گرفت. اگرچه به دلیل دسته بندی متفاوت انواع و روش های ترجمه باید میان این دو، تمایز قائل شد. برای مثال از انواع مختلف ترجمه می توان به ترجمه منظور، ترجمه شفاهی و ادبی، ترجمه ماشینی و مانند آن اشاره کرد؛ و در انواع روش ترجمه به مواردی همچون ترجمه تحت اللفظی، آزاد، معنایی و غیره اشاره داشت که در حوزه ساختاری زبان قرار دارند (قلی زاده، ۱۳۸۳: ۱۳۴-۱۳۵).

با توجه به آنچه گفته شد، گونه‌های معنایی واژه «نشط» براساس انواع روش ترجمه بررسی شده‌اند که در این پژوهش از سه دسته نام برده شده است. **دسته اول** ترجمه‌هایی هستند که در محدوده روش ترجمه تحت‌اللفظی قرار می‌گیرند. **دسته دوم** در ذیل روش ترجمه «وفادار» قرار گرفته است. **دسته سوم** ترجمه‌هایی را در خود جای داده است که رویکرد تفسیری داشته و عنوان «بیش از حد آزاد»، نام دیگر آن است.^۲

۲-۱- رویکرد تحت‌اللفظی

در این روش ترجمه که خود، به سه دسته بسیار تحت‌اللفظی، تحت‌اللفظی محض و تحت‌اللفظی تعدیل یافته قابل تقسیم است، مترجم سعی می‌کند در مقابل هر واژه از متن زبان مبدأ، لفظی از زبان مقصد قرار دهد که گاه ممکن است اولین معنای واژه و گاه ممکن است یکی از انواع معانی آن کلمه در زبان مقصد بوده باشد (جلالی، ۱۳۸۹: ۱۲۳-۱۲۴). البته منظور از تحت‌اللفظی در این جا، به معنای کلیت نحوه ترجمه مترجم نیست؛ بلکه منظور، به کار بردن اصل اولیه این نوع ترجمه در ذیل آیه مورد بحث است که در مقابل هر واژه یک کلمه قرار می‌گیرد؛ خواه این ترجمه، مفهومی قابل درک داشته باشد یا خیر.

در میان ترجمه‌های فارسی قرآن کریم، از مواردی که بتوان آن‌ها را در ذیل ترجمه واژه «نشط» و آیه دوم سوره نازعات، ترجمه‌ای تحت‌اللفظی نامید، این موارد است:

- پاینده: «و جانگیران آسان گیر» (۱۳۵۷: ذیل آیه)؛
- رضایی اصفهانی: «سوگند به بازستانان نرم گیر!» (۱۳۸۳: ذیل آیه)؛
- معزی: «و به کشندگان کشیدنی (یا جهندگان جهشی)» (۱۳۷۲: ذیل آیه)
- صلواتی: «و به رهایی بخشان که رهانند» (۱۳۸۷: ذیل آیه)
- جلال‌الدین فارسی: «سوگند به تکاپوکنندگان پرتلاش» (۱۳۶۹: ذیل آیه)

- صفی علی شاه: «و بیرون کشندگان بیرون کشیدنی» (۱۳۷۸: ذیل آیه)

- طاهری قزوینی: «و بادهای رحمت آور» (۱۳۸۰: ذیل آیه)

- عاملی: «و نیز به آنها که می گشایند و میکشانند» (۱۳۶۰: ذیل آیه)

همان طور که قابل مشاهده است، در این رویکرد، مترجم سعی کرده در مقابل هر واژه از آیه، کلمه‌ای از زبان فارسی قرار دهد؛ اما این که آیا ترجمه‌های فوق برای آیه مذکور قابل پذیرش بوده و یا می‌تواند کاستی‌های این روش ترجمه^۳ برای واژگان تک‌کاربرد را پوشش دهد، موضوعی است که پس از تفحص مفهومی واژه «نشط» و به تبع آن کل آیه، قابل قضاوت خواهد بود.

۲-۲- رویکرد وفادار

این ترجمه که با نام‌های «ترجمه امین» و «معادل» نیز شناخته می‌شود، حد وسط میان ترجمه تحت‌اللفظی و ترجمه معنایی است؛ که البته برخی آن را با ترجمه معنایی، یکسان می‌دانند. در این روش، مترجم می‌کوشد به ساختارهای زبان مبدأ و مقصد و نیز انتقال صحیح معنا وفادار بوده و هدف وی انتقال دقیق معانی در عین رعایت ساخت‌های زبانی هر دو متن مبدأ و مقصد است؛ که البته دارای انسجام متنی نیز هست (جوهری، ۱۳۸۴: ۱۴۳). از میان ترجمه‌های فارسی به طبع رسیده در این آیه، گزینه‌هایی را که بتوان تا حدی وفادار نامید و در این قسمت معرفی نمود، این موارد است:

- کاویان‌پور: «سوگند به آنان که دل غمگینی را نشاط می‌بخشند» (۱۳۷۲: ذیل آیه)

- رهنما: «(و) سوگند به بیرون کشندگان (جان‌ها) به آرامی» (۱۳۵۴: ذیل آیه)

آن گونه که از ترجمه‌های فوق برمی‌آید مترجم سعی در انتقال دقیق معنا داشته و نشانه این سعی آن است که عبارت ارائه شده به‌عنوان معادل، معنایی قابل فهم دارد و دارای انسجام متنی است؛ اما به‌دلیل وفاداری به متن مبدأ که از خصایص این روش

ترجمه است (همان، ۱۳۸۴: ۱۴۴)، مترجمان کم‌ترین افزودنی را داشته‌اند که درستی یا نادرستی آن در بخش تحلیل و تطبیق، سنجیده خواهد شد.

۲-۳- رویکرد تفسیری

ترجمه تفسیری، به معنای شرح کلام و بیان معنای یک متن، به زبان مقصد است. بدون شک، قرآن در بردارنده برخی واژگان و اصطلاحات است که فهم آن با تکیه بر معنای ظاهری صرف ممکن نیست (صیادانی و بازیار، ۱۳۸۴: ۱۱). در این نوع از ترجمه، انتقال پیام گوینده در قالب ساختارهای زبان مقصد، اصلی‌ترین هدف مترجم است؛ حتی اگر حجم واژگان و جملات متناسب با متن اصلی نباشد (نجارپوریان، ۱۳۸۸: ۱۵). بر همین اساس به نظر می‌رسد آن هنگام که مترجم در ذیل آیاتی از قرآن که مصداقی معرفی نکرده است، مبادرت به ارائه مصداق می‌کند، باید ترجمه وی را ترجمه‌ای تفسیری نامید؛ زیرا این کار علاوه بر آن که معمولاً بر حجم عبارت می‌افزاید، خارج از هدف گوینده نیز، هست که در معرفی نکردن مصداق، هدف و مقصودی را دنبال می‌کند. این سخن حتی اگر درباره کلمات بشری قابل بیان نباشد، در مقابل واژگان قرآن که خالق سخن، آن را نازل فرموده است، مورد ادعا خواهد بود؛ چراکه در این کتاب آسمانی هر واژه در جایگاه خود رساننده معنایی است که شاید مصداق بیرونی، تبلور معنایی مورد نظر قرآن را نداشته باشد. از جمله ترجمه‌هایی که در ذیل آیه ۲ سوره نازعات، ترجمه‌ای تفسیری به‌شمار می‌آیند موارد زیر هستند؛ هرچند پیش‌تر نیز گفته شد که عنوان تفسیری بودن، به معنای تعمیم آن به کلیت ترجمه آن شخص نبوده و تنها قابل ذکر در مواردی است که بررسی شوند:

- ارفع: «سوگند به فرشتگانی که با نشاط و آسانی جان گیرند» (۱۳۸۱: ذیل آیه)؛
- آیتی: «سوگند به فرشتگانی که جان‌ها را به آسانی می‌گیرند» (۱۳۷۴: ذیل آیه)؛
- پورجوادی: «سوگند به فرشتگانی که روح را با مدارا و نشاط جدا می‌سازند» (۱۴۱۴: ذیل آیه)؛

- مغنیه: «و سوگند به فرشتگانی که جانها را به آسانی می گیرند» (۱۳۷۸: ذیل آیه)؛
- خسروانی: «قسم به ستارگانی که از افقی به افقی می روند (نشط ای ذهب)» (۱۳۹۰: ذیل آیه)؛
- ثقفی تهرانی: «و به فرشتگانی که بیرون آورندگانند بیرون آوردنی با محنت» (۱۳۹۸: ذیل آیه)؛
- مصباح زاده: «و به فرشتگان نشاط آورنده ارواح» (۱۳۸۰: ذیل آیه)؛
- میبدی: «بستارگان که از مشرق در می گیرند و می روند تا بمغرب رسند» (۱۳۷۱: ذیل آیه)؛
- دهلوی: «قسم به جماعات فرشتگان که بیرون می آرند» (بی تا: ذیل آیه)؛
- آدینهوند: «و سوگند به فرشتگانی که ارواح مومنان را با مدارا و نشاط جدا می سازند» (۱۳۷۰: ذیل آیه)؛
- الهی قمشه‌ای: «قسم به فرشتگانی که (جان اهل ایمان را) به آسایش و نشاط ببرند» (۱۳۸۰: ذیل آیه)؛
- انصاریان: «و سوگند به فرشتگانی که [روح نیکوکاران را به نرمی و ملامت از بدن هایشان] بیرون می آورند» (۱۳۸۳: ذیل آیه)؛
- برزی: «و سوگند به فرشتگانی که جان [مؤمنان] به نرمی ستانند» (۱۳۸۲: ذیل آیه)؛
- طباطبایی: «و فرشتگانی که ارواح مؤمنان را با مدارا و نشاط جدا می سازند» (۱۳۷۴: ذیل آیه)؛
- بروجردی: «و به فرشتگانی که جان اهل ایمان را به آسایش و نشاط ببرند» (۱۳۶۶: ذیل آیه)؛
- سلطان علی شاه: «و سوگند به فرشتگانی که جان [مؤمنان] به نرمی می گیرند» (۱۳۷۲: ذیل آیه)؛
- ترجمه تفسیر طبرسی: «و فرشتگانی که ارواح مؤمنان را با مدارا و نشاط جدا می سازند» (۱۳۷۵، ذیل آیه)؛

- حجتی: «و فرشتگانی که ارواح مؤمنان را با مدارا و نشاط جدا می‌سازند» (۱۳۸۴):
ذیل آیه)؛
- فولادوند: «و به فرشتگانی که جان [مؤمنان] را به آرامی گیرند» (۱۴۱۸): ذیل آیه)؛
- ترجمه قرآن مرکز فرهنگ: «و به فرشتگانی که [جان مؤمنان را] به آرامی برمی‌گیرند» (۱۳۸۵): ذیل آیه)؛
- نصرت امین: «قسم به فرشتگانی (که مؤمنین را) به نشاط آرند» (بی‌تا: ذیل آیه)؛
- موسوی گرمارودی: «و به گیرندگان (جان مؤمنان) به آرامی» (۱۳۸۴): ذیل آیه)؛
- مشکینی: «و به فرشتگانی که ارواح مؤمنان را به نرمی و آرامی بیرون آرند و به ستارگانی که از مشرق به آرامی بیرون آیند و به سوی مغرب روند» (۱۳۸۱): ذیل آیه)؛
- مکارم‌شیرازی: «و فرشتگانی که (روح مؤمنان) را با مدارا و نشاط جدا می‌سازند» (۱۳۷۳): ذیل آیه)؛
- نوبری: «و قسم به آن نفوسی که به امر و نهی خداوند تعالی تحصیل علم کرده و در اطاعت و انقیاد حق خوشحال و مسرور و با نشاط می‌شوند» (۱۳۹۶): ذیل آیه)؛
- نسفی: «سوگند به فرشتگان جان مؤمنان را به آسانی بردارندگان» (۱۳۷۶): ذیل آیه)؛
- خرم‌دل: «و سوگند به همه چیزهایی که (نیروی بدن آنها داده شده است که بدان اشیاء را از قرارگاه خود) چابکانه و استادانه بیرون می‌کشند!» (۱۳۸۴): ذیل آیه)؛
- یاسری: «و قسم به فرشتگان، که به مدارا جان بیرون آرند و ارواح مؤمنان را قبض نمایند» (۱۴۱۵): ذیل آیه)؛
- همانگونه که مشاهده می‌شود اکثریت مترجمان در ترجمه این آیه، اقبال به ترجمه تفسیری و در مواردی آزاد، کرده‌اند؛ که از دلایل آن می‌توان به اختصار آیه و یکی بودن ریشه هردو قالب «ناشطات» و «نشط» اشاره کرد که به خاطر وجود ضیق معنا، مترجم را ناگزیر به استفاده از ترجمه تفسیری و ارائه مصداق واداشته است.

۳- واکاوی مفهومی داده‌های قرآنی

۳-۱- سیاق کلی سوره (آیات پیشین و پسین)

از آن‌رو که در بحث توقیفی بودن چینش سوره‌های قرآن اختلاف زیادی وجود داشته و وحدت موضوعی سیاق سوره‌های قرآن براساس چیدمان فعلی موضوعی چالش‌برانگیز است،^۴ به‌نظر نمی‌رسد بتوان با بررسی این نوع از سیاق که مبنای آن مدارِ شک قرار گرفته است، به تحلیلی قابل دفاع رسید. همچنین به‌دلیل نبودِ سیاق موضوعی واژه «نشط» در کل قرآن، در این بخش تنها به بررسی سوره نازعات و آیات پیش و پس از آیه دوم پرداخته شده است.

این سوره با واژه «نازعات» آغاز شده است که انجام عمل «نزع» توسط متصدیان آن را بیان می‌کند و به‌نظر می‌رسد واکاوی معنای این واژه و به تبع آن معنای آیه اول، در فهم معنایی آیه دوم مؤثر باشد؛ زیرا از لحاظ فرم ظاهری و صوری آیات در نظم و آهنگ و نیز قالب‌های واژگانی، تشابه کلی دیده می‌شود.

واژه «نزع» به معنای «کندن»، «از جای درآوردن» و مشابه، آن یعنی «بیرون آوردن» است که البته با سختی و مشقت همراه بوده و این سختی در معنای نزع نهفته است (ن.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۵۷؛ ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲: ۸۱۷). این واژه در قرآن کریم ۲۰ بار در صورت‌های ظاهری مختلف در آیات قرآن تکرار شده است که به‌نظر می‌رسد اصلی‌ترین معنای آن «کندن» و «از جای درآوردن» است.

کلمه «نازعات» بر وزن فاعل آمده، به‌صورت جمع مؤنث سالم ذکر شده و در سوره پیشین از فرشتگان الهی نام برده شده است. در نتیجه با توجه به معنای «نزع»، می‌توان گفت نازعات وصف حال فرشتگانی است که چیزی را به سختی از جای خود بیرون می‌آورند و یا به عبارت صریح‌تر آن را از جای خود می‌کنند. هرچند ارائه مصداق، با توجه به این‌که در خود آیه نامی از فرشتگان و غیره نبرده است، کار صحیحی به‌نظر نمی‌رسد و چه بسا غرض از «نازعات» تنها فرشتگان نبوده و سایر آفرینندگان، به نوعی

در انجام این کار مداخله داشته باشند. به هر حال آیه اول، وصف کسانی است که عمل «از جای درآوردن» و «کندن» و یا شاید «قبض روح کردن» را انجام می‌دهند. آیه پسین، آیه سوم ﴿وَالسَّابِقَاتِ سَبْحًا﴾ است که از بن‌مایه «سبح» تشکیل شده و رساننده معانی «شناکردن»، «تنزیه نمودن»، «پاک کردن» و «تسبیح گفتن» است (ن.ک: فراهیدی، ج ۳: ۱۵۱؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۱۱) که البته درباره خداوند، سه معنای اخیر آن کاربرد دارد.

در آیه چهارم ﴿فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا﴾ محور اصلی، واژه «سبق» است که معادل «قدم» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۸۵)، به معنای پیشی گرفتن، تقدم و درافتادن در برابر آن، قرار داده شده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۲۰).

در این آیه نیز، همچون سه آیه پیشین، توصیف کسانی شده است که فارغ از انسان یا غیرانسان بودن و یا جاندار و بی جان بودن، در حال پیشی گرفتن هستند. حال این‌که «پیشی گرفتن» و یا سایر معانی در چه اموری باشد، پرسش‌هایی هستند که به دلیل اختصار آیه قابل پاسخگویی نیستند.

آیه پنجم یعنی ﴿فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا﴾ نیز از لحاظ فرم ظاهری، مشابه ۴ آیه پیش از خود است؛ با این تفاوت که برخلاف آیات پیشین، بن‌مایه معنایی آن تنها به یک ریشه، ختم نشده و مترجم قادر به ارائه ترجمه‌ای واضح‌تر و منطبق‌تر خواهد بود؛ اما به‌طور کلی به‌نظر می‌رسد در ۵ آیه اول سوره نازعات که از لحاظ شکل ظاهری و برخی ویژگی‌های دیگر یکسان دیده می‌شوند، از ۵ امر مهم نام برده شده است که مأموران الهی در حال انجام آن هستند و چون از جنسیت، نام و شاخصه‌های شکلی این مأموران سخنی به میان نیامده است و نوعی تعمد الهی را می‌رساند، باید لاقلاً در چهار آیه اول تنها به ترجمه ریشه واژه در هر آیه اکتفا نمود و آن ریشه را در دو قالب فاعلی و مفعولی منطبق با ساختارهای زبان فارسی که معادل‌های این دو قالب را ارائه می‌دهند، پیاده کرد.

۳-۲-۱ سیاق واژه «نشط»

واژه «نشط» از سه حرف «ن،ش،ط» تشکیل شده است. البته واژگان دیگری براساس این سه حرف در کتب لغت وجود دارد که بر اساس تقدم و تأخر حروف به وجود آمده و شامل شطن، نشط، شنط^۵ است. حضور این کلمه در قرآن کریم نشان می‌دهد که در میان اعراب زمان نزول، واژه «نشط» مورد فهم و استفاده ایشان بوده است؛ زیرا قرآن تنها متن اصیل و صحیح برجای مانده از عصر پیامبر (ص) است و تمام واژگان آن نشان از مورد استفاده بودن آن‌ها در میان اعراب دارد و عقلاً از فصاحت قرآن به دور است که کلماتی را استفاده کند که هیچ‌یک از مخاطبان عصر خود، آن را به کار نمی‌برده است.

افزون بر آن، کاربرد بی‌شمار یک واژه در کتب لغت، با مشتقات و واژگان هم‌ریشه، اگرچه دلیل کاملی بر اصالت یک واژه در زبان خاصی نیست؛ اما قرینه‌ای مهم برای استفاده از آن به‌شمار می‌آید (فهمی حجازی، ۱۳۷۹: ۲۰۳).

ابن فارس معتقد است، سه حرف «ن،ش،ط» در کنار یکدیگر دال بر اهتزاز و حرکت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵: ۴۲۶). صاحب تهذیب اللغة این سه حرف را در کنار یکدیگر مورد بررسی معنایی قرار داده و با نتیجه‌ای که از معانی آن‌ها گرفته است، می‌توان گفت این سه واژه را از یک ریشه می‌داند که در مواردی تشابه معنا دارند (ن.ک: ازهری، ۱۴۱۱، ج ۱۱: ۲۱۳-۲۱۵). همچنین صاحب «المحیط فی اللغة» با بررسی این سه واژه در ذیل «الشین و الطاء و النون» به نوعی بر هم‌ریشه‌گی این واژگان صحنه می‌گذارد (ن.ک: اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۷: ۲۹۳)؛ به هر روی آنچه مهم می‌نماید، بررسی مفهومی ریشه «نشط» است که در قرآن کریم به کار رفته است؛ لذا در ادامه ویژگی‌های صرفی و نحوی، مفهوم لغوی و مفهوم مصداقی بررسی شده است.

۳-۲-۱-۱ ویژگی‌های صرفی و نحوی

همان‌گونه که گفته شد واژه «نشط» در آیه ۲ سوره مبارکه نازعات: ﴿وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا﴾ در دو قالب لفظی به کار رفته است. از نظر صرفی، کلمه «ناشطات» و «نشطاً» از

ثلاثی مجرد «نشط» گرفته شده است. «ناشطات» جمع مؤنث سالم و اسم فاعل است و «نشطاً» مصدر است و چون بر وزن «فعل» آورده شده، متعدی بوده و دلالت بر فرح و شادی دارد (ن.ک: نیجیری، بی تا: ۲۰۷).

از نظر نحوی، واژه «ناشطات»، جار و مجرور و متعلق به اسم مقدر و واژه «نشطاً» مفعول مطلق برای عامل مقدر است (آدینه‌وند، ۱۳۷۷، ج ۶: ۹۵۸؛ طنطاوی، ۱۳۹۲: ۷۸۹). تحلیل قابل وصف از نظر بلاغت برای این ریشه، آن است که با توجه به تک‌کاربرد بودن آن، هیچ فردی، حتی قائلان به وجود مترادف برای برخی لغت در قرآن کریم (همچون: حمیری، بی تا: ۱۵۳؛ و زبیدی، بی تا، ج ۱۹: ۶۰)، قادر به معرفی مترادف برای این واژه نخواهند بود؛ زیرا از نظر ایشان استدلال اصلی برای مترادف میان کلمات، سیاق واژه و آیه است (زبیدی، بی تا، ج ۱۹: ۶۰-۶۱)؛ اما در این آیه، لفظ در بافت و موقعیتی به کار رفته که معنایی خاص به خود گرفته است. در نتیجه از نظر بلاغی نمی‌توان واژه‌ای را جایگزین آن نمود و چه از لحاظ ریشه‌شناسی و چه بلاغت این واژه خاص بوده و برای فهم معنای آن باید از روش‌های دیگری سود جست.

۳-۲-۲- مفهوم لغوی واژگان

پیش‌تر اشاره گردید که سه حرف «ن، ش، ط» تشکیل دهنده واژه «شطن»، «شنتط» و «نشط» هستند. آزه‌ری در تهذیب اللغة برای هر یک از این موارد معنایی را از قول سایرین نقل می‌کند که نشان از برخی تفاوت‌های معنایی میان سه ترکیب، علیرغم یکسانی حروف ریشه است:

شطن: از قول لیث و ابن سکیت، بستن و گره زدن ریسمان (بلند) را بیان کرده است (آزه‌ری، ۱۴۲۱، ج ۱۱: ۲۱۳)؛ صاحب در «المحیط فی اللغة» نیز همین معنا را ذکر کرده است (صاحب، اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۷: ۲۹۳).

شنتط: آزه‌ری این واژه را مستعمل دانسته و از آن با عنوان «الشِّوَاء» که نوعی ماهی است یاد می‌کند (آزه‌ری، ۱۴۲۱، ج ۱۱: ۲۱۴).

نشط: برای این ترکیب معانی مختلفی را ذکر کرده است. از قول لیث، پاکیزه کردن نفس برای عمل که صفت آن را ناشط دانسته است؛ و از قول سایرین، گشودن گره را آورده است (أزهري، ۱۴۲۱، ج ۱۱: ۲۱۴). فراهیدی نیز با آن که در ابتدا پاکیزه کردن نفس را برای ناشط به کار برده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۲۳۷)؛ اما در جایی دیگر معنای «نشط الطريق» را خارج شدن از راه اصلی می‌داند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۲۷۸).

راغب اصفهانی در ذیل واژه «نشط» معنای «گره زدن» و «خارج ساختن» را بیان نموده و اشاره‌ای به دو ترکیب دیگر ندارد. در مجموع، اقوال وی به این شرح است:
قول نخست: «گره زدن امور به یکدیگر» که می‌توان همان معنای شطن را برای آن به کار برد و برخی لغویان دیگر هم بر این معنا تأکید دارند (ن.ک: شیبانی، ۱۹۷۵، ج ۳: ۲۶۹؛ ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲: ۸۶۷)؛

قول دوم: «خارج ساختن (روح از بدن)»؛

قول سوم: «رفتن از جایی به جای دیگر»: سخن راغب در این قول چنین است:
«قيل أراد بها النجوم الخارجات من الشرق إلى الغرب بسير الفلك أو السائرَات من المغرب إلى المشرق بسير أنفسها» (راغب، ۱۴۱۲: ۸۰۷).

با توجه به آنچه گفته شد، معنای کلی مصدر «نشط» را در مجموع می‌توان این موارد برشمرد: پاکیزه کردن، گره زدن / گره گشودن، خارج شدن / خارج کردن، رفتن از جایی به جای دیگر؛ البته با توجه به سخن نیجیری که «نشطاً» را مصدری دانسته که چون بر وزن «فعل» آورده شده، متعدی است و دلالت بر فرح و شادی دارد (ن.ک: نیجیری، بی تا: ۲۰۷)، معنای «نشاط بخشیدن» را نیز بتوان به این معانی افزود.

نهایتاً و با توجه به قالب فاعلی که «ناشاطات» مطابق آن است و قالب مفعول مطلق که «نشطاً» در آن قرار داده شده، لازم است قدر متیقن و مفهوم ضمنی از معانی ذکر شده به دست آورد تا در ترجمه این آیه ناگزیر به ارائه مصداق برای «ناشاطات» نبوده تا از روش قرآن عدول نشود. افزون بر آن که برگزیدن هریک از معانی ذکر شده، با توجه

به سیاق آیات پیشین و پسین که هریک بر صحیح انجام دادن عملی توسط سوی مأموران الهی تأکید دارد و این تأکید را با استفاده از مفعول مطلق هم‌ریشه با آن فعل نشان داده است، برای این آیه نیز ارائه معنایی برای مصدر «نشط» لازم به نظر می‌رسد که بتواند تمامی معانی ذکرشده در کتب لغت را دربرگیرد تا از انتخاب بدون دلیل، جلوگیری شود. به‌عنوان مثال، اگر مترجمی بگوید قصد انتخاب معادل «خارج کردن» را دارد، مترجم دیگری نیز می‌تواند «گره زدن» را برگزیند، بدون آن‌که بتوان هیچ‌یک را رد نمود یا پذیرفت. بر همین اساس، قدر متیقن پیشنهادی از سوی نگارندگان، معادل «تغییر دادن» است؛ زیرا در تمامی معانی ذکر شده یعنی پاکیزه کردن، گره زدن/ گره گشودن، خارج شدن/ خارج کردن، رفتن از جایی به جای دیگر و نشاط بخشیدن، نوعی تغییر از حالتی به‌حالت دیگر دیده می‌شود که دربردارنده اصل حرکت و جنبشی است که پیش‌تر از قول ابن فارس بدان اشاره گردید.

۳-۲-۳- مفهوم مصداقی واژگان

واژه «ناشطات» جمع «ناشط» بر وزن فاعل است و برکننده کار دلالت دارد، پس «ناشط»، انجام دهنده فعل «نشط» است. یعنی هرکدام از مصداقی که در کتب لغت ذکر شده، فاعلی برای مفهوم «نشط» است. برخی همچون مهنا از مصداقی «ناشط» را گاو وحشی که از سرزمینی به‌سوی سرزمین دیگر می‌رود و «ناشطات» را ستارگان و ملائکه عنوان کرده‌اند (مهنا، ۱۴۱۳، ج ۲: ۶۱۸).

زیبیدی مصداقی «ناشطات» را از قول سایر دانشمندان همچون ابن‌درید و ابوعبید، ستارگانی که طلوع و غروب می‌کنند، دانسته و از قول ابن‌عباس و ابن‌مسعود، «ناشطات» را ملائکه دانسته است. از قول فراء، نشط و ناشطات را قبض روح مؤمن، بیان نموده و به طور کلی در سه مصداق ستارگان، ملائکه انجام دهنده امور و ملائکه قابض ارواح، خلاصه می‌شوند (زیبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۴۲۹-۴۳۰)؛ اما با وجود تمامی این روایات، تعیین مصداق در بحث ترجمه، امری است که بدون دلیلی با دلالت تام، امکان‌پذیر نخواهد

بود و به همین لحاظ، تعیین هریک از مصادیق گفته شده توسط مفسران و محدثان، به خاطر نیاوردن دلیل متقن و عدول از روش آیه، قابل پذیرش نیست. شاید به همین دلیل است که لغوی بزرگی همچون مصطفوی، به جای ذکر مصداق، به اصل معنای این دو واژه که از یک ریشه هستند می‌پردازد. وی مصادیق «نشط» را این موارد دانسته است:

«من مصاديقه: الحركة و الاهتزاز أو الإسراع في العمل مع طيب و إقبال...» (از مصادیق آن: حرکت و اهتزاز و یا سرعت عمل همراه با خوشی و اقبال است...);

و از مصادیق ناشطات را موارد ذیل نام برده است:

«النَّاشِطَاتِ: النفوس الَّذِينَ يَعْمَلُونَ عَلَىٰ وَظَائِفِهِمُ الْإِلَهِيَّةَ وَ يَأْتُونَ بِالتَّكْلِيفِ الدِّيْنِيَّةَ وَ الْعَقْلِيَّةَ مَعَ طَيْبِ نَفْسٍ وَ إِقْبَالِ قَلْبِيٍّ، وَ ذَكَرَ الْمَصْدَرُ إِشَارَةَ إِلَى الْإِهْتِمَامِ وَ الدَّقَّةَ وَ الْمَجَاهِدَةَ فِي هَذَا الْعَمَلِ وَ هَذَا الْمَعْنَى بَعْدَ تَحَقُّقِ الْإِنْتِزَاعِ عَنِ الْعَلَائِقِ الدِّيْنِيَّةِ وَ التَّمَايَلَاتِ النِّفْسَانِيَّةِ، وَ بَعْدَ الْوُرُودِ فِي مَسِيرِ السَّلْوَكِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى»:

(ناشطات: نفوسی هستند که به وظایف الهی خود عمل می‌کنند و تکالیف دینی و عقلی را با طیب نفس و اقبال قلبی انجام می‌دهند و ذکر مصدر اشاره به اهتمام و دقت و مجاهدت در این عمل دارد و این معنا بعد از تحقق انتزاع از علایق دنیوی و تمایلات نفسانی است و بعد از ورود در مسیر سلوک به سوی خداوند متعال) (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۲: ۱۴۱).

از نظر وی مصداق «ناشطات» که متصدی انجام امور هستند، فقط ملائکه نیستند. کما این که سیاق آیه بر همین مطلب شهادت دارد و ممکن است اشاره به تمام مأموران الهی باشد که در حال انجام امور عالم به امر پروردگار هستند، هم‌چنان که در آیه قبل و آیات بعد نیز، همان قالب فاعلی برای ریشه‌های «نزع»، «سبج» و «سبق» به کار رفته است. لذا ارائه مصداق با توجه به روش سوره در ۵ آیه ابتدایی خود، کار صحیحی

به نظر نمی‌رسد و برای ترجمه آن باید معنای فعل را در قالب فاعلی قرار داد که مدل پیشنهادی این پژوهش «تغییردهندگان (امور عالم)» است.

۴- نقد و بررسی

۴-۱- بررسی معنای برگزیده توسط مترجمان

از چهار معنای ذکر شده که از تفحص معنایی در کتب لغت، برای مصدر «نشط» به دست آمد، مترجمان به ترتیب زیر، یکی از انواع آن را برگزیده‌اند؛ که البته مبنا در این قسمت از نقد، تنها بررسی معادل ارائه شده بوده است که گاه مترجم آن را معادل «ناشطات»، گاه معادل «نشطاً» و گاه در برابر هریک، قرار داده است. اگرچه در برخی ترجمه‌ها، مصادیقی نیز در کنار معنای فعل مشاهده می‌شود که در حال حاضر موضوع نقد نیست:

الف) پاکیزه کردن

از میان ترجمه‌های موجود در نرم‌افزارهای مورد استفاده در این پژوهش، هیچ‌یک از مترجمان، معنای ذکر شده توسط فراهیدی را برگزیده است و مشخص نمی‌شود به چه دلیلی هیچ اقبالی به این معنا صورت نگرفته است.

ب) گره زدن / گره گشودن

در بین مترجمان، تنها آقای عاملی است که ترجمه «و نیز به آنها که می‌گشایند و می‌کشانند» (۱۳۶۰: ذیل آیه) را برگزیده است که چون یکی از دو فعل بیان شده توسط وی، معادل «گشودن» بوده و تا حدی به معنای «گره گشودن» نزدیک دیده می‌شود، در این قسمت از وی نام برده شده است. اگرچه مبنایی بر انتخاب این معادل توسط وی ذکر نشده و منطقاً دلیلی بر رجحان وجود ندارد.

ج) خارج شدن (از جای خود) / خارج کردن (روح از بدن)

برای معنای خارج کردن روح از بدن، معادل فارسی «جان گرفتن» و «بیرون کشیدن روح» نیز قابل بیان است و بر همین اساس مترجمانی که از این عبارت استفاده کرده‌اند در این دسته جای داده شده‌اند. از جمله این افراد باید به: رهنما (۱۳۵۴: ذیل آیه)،

صفوی (۱۳۸۸: ذیل آیه)، صفی علی شاه (۱۳۷۸: ذیل آیه)، ارفع (۱۳۸۱: ذیل آیه)، آیتی (۱۳۷۴: ذیل آیه)، مغنیه (۱۳۷۸: ذیل آیه)، پورجوادی (۱۴۱۴: ذیل آیه)، دهلوی (بی تا: ذیل آیه)، آدینه‌وند (۱۳۷۰: ذیل آیه)، الهی قمشه‌ای (۱۳۸۰: ذیل آیه)، انصاریان (۱۳۸۳: ذیل آیه)، برزی: «و سوگند به فرشتگانی که جان [مؤمنان] به نرمی ستانند» (۱۳۸۲: ذیل آیه)، بروجردی (۱۳۶۶: ذیل آیه)، طباطبایی (۱۳۷۴: ذیل آیه)، سلطان علی شاه (۱۳۷۲: ذیل آیه)، ترجمه تفسیر طبرسی (۱۳۷۵: ذیل آیه)، حجتی (۱۳۸۴: ذیل آیه)، سراج (بی تا: ذیل آیه)، فولادوند (۱۴۱۸: ذیل آیه)، مشکینی (۱۳۸۱: ذیل آیه)، نصرت امین (بی تا: ذیل آیه)، ترجمه قرآن مرکز فرهنگ (۱۳۸۵: ذیل آیه)، موسوی گرمارودی (۱۳۸۴: ذیل آیه)، مکارم‌شیرازی (۱۳۷۳: ذیل آیه)، نسفی (۱۳۷۶: ذیل آیه)، خرم‌دل (۱۳۸۴: ذیل آیه) و یاسری (۱۴۱۵: ذیل آیه) اشاره کرد؛ که البته عبارت «جان مؤمنان را با نشاط/ به آرامی جداساختن»، پرکاربردترین نوع ترجمه از واژه «نشط» برای این آیه در نزد مترجمان فارسی زبان بوده است و همان‌طور که پیش‌تر اشاره گردید، مشخص نیست که هریک، بر چه اساسی این معادل را برگزیده‌اند؛ درحالی که دلیلی بر این امر وجود ندارد؛ زیرا اولاً در احادیث، معنایی برخلاف این عبارت، از قول امیرمؤمنان (ع) نقل شده است که فرمود: «ناشطات ملائکه‌ای هستند که ارواح کفار را از میان پوست و استخوانشان بیرون می‌کشند تا آن را با غم و اندوه از دهان‌هایشان خارج کنند» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۵۷۴)؛ و در روایت دیگری از قول پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «قال الله تعالی: وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطًا، أفتدري ما الناشطات؟ هي كلاب أهل النار، تنشط اللحم والعظم» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۵۷۵)؛ و در اینجا رسول اکرم (ص) ناشطات را سگ‌های جهنم دانسته‌اند.

ثانیاً در هیچ‌یک از موارد، عبارت «والناشطات نشطاً» بر «گرفتن روح از مؤمنان»، آن‌هم به آرامی، دلالت ندارد؛ بلکه برای عبارت «فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا» از امام باقر (ع) نقل

شده که فرمود: ﴿فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا﴾ یعنی ارواح المؤمنین تسبق ارواحهم الى الجنة (فیض کاشانی، صافی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۲۸۹).

اگرچه علامه مجلسی در بحارالانوار، ۵ قول را درباره معنای این آیه ذکر می‌کند که دو معنای آن از ابن عباس ذکر شده است و در یک مورد آن، «ناشطات» را ملائکه قابض ارواح مؤمنان دانسته و در دیگری نفس مؤمنان را هنگام خروج روح از بدن به دلیل دیدن قطعه‌ای از بهشت، بانشاط دانسته است (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳، ج ۵۶: ۱۶۹)؛ اما علامه مجلسی در این جا دلیل یا روایتی در تأیید سخن خود نیاورده است. همچنین باید به این نکته توجه داشت که نظر ابن عباس تنها یک نظر تفسیری است که شاید از باب جری و تطبیق تاحدی قابل پذیرش باشد. افزون بر آن که علامه مجلسی در باب ۲۲ و ۵۴ نیز روایت پیامبر (ص) را ذکر کرده است (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳، ج ۲۷: ۲۸۱؛ ج ۸۱: ۳۵۴). همچنین در تفسیر روایی نورالثقلین، در ذیل تفسیر سوره نازعات، هیچ اشاره‌ای به گرفتن روح مؤمنان و یا نشاط ایشان به هنگام قبض روح نشده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۴۹۷).

به نظر می‌رسد مترجمان، معادل مفعول مطلق «نشطاً» را همان «نشاط داشتن» دانسته‌اند. برداشتی که شاید از قول فراهیدی صورت گرفته است که معادل «نشط» را «طیب فی العمل» می‌داند؛ اما حتی اگر این گونه باشد، باز هم «نشطاً» به ارواح مؤمنان بازنمی‌گردد و بلکه توصیف عمل ملائکه است که کار خود را با طیب خاطر انجام می‌دهند (ن.ک: مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۱۲۷)؛ کما این که قرشی نیز به این مطلب اشاره داشته و می‌گوید: «... بعید است منظور از «نازعات» و «ناشطات» و ... ملائکه باشند؛ زیرا جمعی که با الف و تاء بسته میشود، یا صفت مؤنث حقیقی است و ملائکه به طور حتم مؤنث حقیقی نیستند و قرآن با آن قول مبارزه کرده است و یا صفت مذکر لایعقل است مثل مرفوعات، منصوبات، مجرورات، و ایام خالیات و یقینی است که ملائکه اولوالعقل‌اند. بنابراین آنچه گفته‌اند، مراد از آنها ملائکه است، قابل قبول نیست و خبر قطعی و یقینی در این باره نداریم» (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۳۲۸).

لذا با توجه به مطالبی که ذکر شد، به نظر می‌رسد انتخاب این معادل برای «نشط» حقیقتاً با نقد جدی روبه‌رو بوده و قابلیت دفاع ندارد.

د) رفتن از جایی به جای دیگر

سه مترجم این معنا را برگزیده‌اند: خسروانی: «قسم به ستارگانی که از افقی به افقی می‌روند (نشط ای ذهب)» (۱۳۹۰: ذیل آیه)، میدی: «به ستارگان که از مشرق در می‌گیرند و می‌روند تا به مغرب رسند» (۱۳۷۱: ذیل آیه)، مشکینی: «به ستارگانی که از مشرق به آرامی بیرون آیند و به سوی مغرب روند» (۱۳۸۱: ذیل آیه).

مترجمان مذکور با انتخاب این معنا برای «نشط» و نیز با گزینش مصادیقی مانند «ستارگان»، نه تنها از روش آیه در عدم معرفی مصداق، عدول کرده و بلکه دلیلی برای انتخاب این معادل برای ریشه «نشط» ندارند؛ زیرا اولاً اگر قصدی بر معرفی ملائکه بود همچون سایر آیات به نام ایشان اشاره می‌شد و ثانیاً انتخاب یک معنا از میان تمامی معانی یک کلمه باید با دلیل موجه باشد که در این آیه و سوره این انتخاب نه با سیاق سوره و آیات قبل و بعد و نه با مطالب ذکر شده از منابع روایی هم‌خوانی ندارد.

ه) نشاط بخشیدن

کاویان‌پور (۱۳۷۲: ذیل آیه) و مصباح‌زاده: «و به فرشتگان نشاط آورنده ارواح» (۱۳۸۰: ذیل آیه)، دو مترجمی هستند که معنای نشاط بخشیدن را برگزیده‌اند؛ اما همان‌گونه که اشاره شد مصدر «نشط» دلالتی بر شادی و نشاط آوردن، ندارد.

و) سایر معانی

در گزینه سایر معانی، مواردی آورده شده است که در معانی مأخوذ از کتب لغت در ذیل واژه «نشط» دیده نمی‌شود؛ اما مترجم فارسی زبان، آن را به کار برده است. به‌عنوان مثال، پاینده عبارت «و جان‌گیران آسان‌گیر» (۱۳۵۷: ذیل آیه) را ذکر می‌کند که مشخص نیست بر چه مبنایی معادل «نشطاً» را آسان‌گیری قرار داده است. رضایی‌اصفهانی، معادل «سوگند به بازستانان نرم‌گیر!» (۱۳۸۳: ذیل آیه) را برگزیده؛ اما مشخص نیست بر کدام اساس معادل «نشطاً» را نرم‌گیر دانسته است. همچنین است در مورد معزی: «و به

کشندگان کشیدنی (یا جهندگان جهشی)» (۱۳۷۲: ذیل آیه)؛ و یا صلواتی که معادل رهایی بخشیدن را بیان کرده است (۱۳۸۷: ذیل آیه). مگر آن‌که گفته شود رها کردن نیز معادلی از خارج کردن است. همچنین است درباره جلال‌الدین فارسی: «سوگند به تکاپوکنندگان پرتلاش» (۱۳۶۹: ذیل آیه)، ثقفی تهرانی: «و به فرشتگانی که بیرون آورندگانند بیرون آوردنی با محنت» (۱۳۹۸: ذیل آیه)، طاهری قزوینی: «و بادهای رحمت آور» (۱۳۸۰: ذیل آیه) و نوبری: «و قسم به آن نفوسی که به امر و نهی خداوند تعالی تحصیل علم کرده و در اطاعت و انقیاد حق، خوشحال و مسرور و با نشاط می‌شوند» (۱۳۹۶: ذیل آیه)؛ نقدهایی که پیش از این بدان‌ها اشاره شد متوجه انتخاب کنندگان این معنا نیز هست. کما اینکه در هیچ‌یک از این ترجمه‌ها نمی‌توان به مبنای مترجم برای برگزیدن ترجمه مورد نظرش دست یافت.

۴-۲- نقد روش ترجمه

در بخش نخست مقاله از سه رویکرد انتخابی مترجمان، یعنی تحت‌اللفظی، وفادار و تفسیری نام برده شد و دلایلی در تطبیق این رویکرد با نوع ترجمه مترجم از این آیه نیز ذکر گردید. در این بخش نقد کوتاهی بر هر یک انجام شده است.

۴-۲-۱- ترجمه تحت اللفظی

در این روش ترجمه، مترجم به جای هر واژه از زبان مبدأ، کلمه‌ای از زبان مقصد را جایگزین می‌کند. در ترجمه تحت‌اللفظی، دغدغه اصلی مترجم حفظ امانت است؛ اما در اکثریت موارد، ترجمه‌ای نارسا بوده و مضمون کلام به مخاطب القا نخواهد شد و مراد مترجم با نوعی خفا و ابهام همراه است که به درک مخاطب از معنای آیه لطمه خواهد زد. همچنین این شیوه ترجمه، نوعی به صیغه و ساختار عربی درآوردن کلمات فارسی است (نجارپوریان، ۱۳۸۸: ۱۳). این اشکال به وضوح در ترجمه‌های ارائه شده از این آیه با شیوه تحت‌اللفظی دیده می‌شود. برای مثال هنگامی که رضایی اصفهانی:

«سوگند به بازستانان نرم گیر» و یا پاینده، معادل «و جان گیران آسان گیر» را ارائه می دهد، مخاطب قادر نخواهد بود درک صحیح و معنای واضحی از بازستانان و یا جان گیران به دست آورد.

اشکال دیگر وارد بر ترجمه تحت‌اللفظی، آن است که در این نوع از ترجمه، توجهی به مؤلفه‌های معنایی واژگان نمی شود و ترجمه‌ای نامطلوب است که کاستی‌های فراوانی دارد؛ هرچند نمی توان منکر کاربردهای مفید آن در موارد آموزشی شد (جلالی، ۱۳۸۹: ۱۲۴). بنابر دلایلی که گفته شد، این نوع از ترجمه، روشی نیست که بتوان برای واژگان تک کاربرد استفاده نمود. هم چنین در معنای واژه «نشط» گفته شد که لازم است برای گریز از نقدهای وارد شده و کاستی‌های موجود در دست‌یابی به معنای حقیقی واژه، قدر متیقنی از معانی ذکر شده که در جایی به وجه مشترک می‌رسند، را ذکر کرد. لذا به نظر می‌رسد در ارائه معادل، برای واژگان تک کاربرد، شیوه ترجمه تحت‌اللفظی آخرین گزینه‌ای است که مترجم استفاده خواهد کرد.

۴-۲-۲- ترجمه وفادار

در ترجمه وفادار، تلاش مترجم بر آن است تا به ساختارهای متن مبدأ و مقصد و نیز انتقال صحیح معنا وفادار باشد و هدف او انتقال دقیق معانی در عین رعایت ساخت‌های زبانی هر دو متن مبدأ و مقصد است که البته دارای انسجام متنی نیز هست و افزودن و کاستن به دلیل همین وفاداری بیش از ترجمه تحت‌اللفظی و کم‌تر از ترجمه محتوایی (معنایی) است (جواهری، ۱۳۸۴: ۱۴۳). لذا به نظر می‌رسد در ترجمه واژگان تک کاربرد و به‌خصوص در این آیه، به دلیل اختصار کلام که البته در زبان قرآن یک ویژگی مثبت برای آیات به‌شمار می‌آید، وفاداری بیش از حد این نوع ترجمه، درک آن را با دشواری مواجه خواهد کرد. اگرچه ارائه نکردن مصداق برای واژه «ناشطات» که در قالب فاعلی در این آیه آورده شده است، امتیازی است که این ترجمه را از نوع تفسیری خود متمایز کرده است؛ اما برای مثال عبارت «(و) سوگند به بیرون کشندگان (جان‌ها) به آرامی» که

رهنما آن را ذکر کرده است، عبارت بیرون کشندگان، معادل قبض روح است که برای مخاطب فارسی زبان، قابل فهم‌تر از عبارت فوق‌الذکر خواهد بود. اشکال دیگر ترجمه وفادار آن است که در ذیل این آیه یکی از معانی را برگزیده و سعی کرده است آن را در ساختار زبان مقصد که یکسانی با زبان قرآن دارد، ارائه دهد. در حالی که این نقد بر ترجمه تحت‌اللفظی نیز وارد شد که برگزیدن یک معنا و ترجیح آن بر سایر معانی نیاز به دلیل دارد که سیاق آیات پیشین و پسین اگرچه می‌تواند راه‌گشا باشد ولی در این آیه وجود ندارد؛ زیرا علاوه بر استفاده از واژگان متفاوت با معانی متفاوت در آیات پیشین و پسین، خصیصه تک‌کاربرد بودن واژه «نشط» نیز ارائه یک معنا را بدون دلیل می‌کند. تنها ویژگی این ترجمه آن است که از معادل تحت‌اللفظی، قابل فهم‌تر بوده و سعی در رعایت مؤلفه‌های معنایی واژگان دارد؛ هرچند به نظر نمی‌رسد برای ترجمه این آیات مطلوب باشد.

۴-۲-۳- ترجمه تفسیری

در این روش ترجمه، رساندن پیام نویسنده و نه معانی عبارات و جملات متن، در قالب و ساختارهای زبان مقصد، هدف اصلی مترجم است. این روش ترجمه، بیش‌تر در نقل مفهومی یا مختصر و یا ترجمه دیدگاه‌های اشخاص از یک زبان به زبان دیگر مفید است و در مورد قرآن کریم روشی نابجا و غلط است (قلی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۴۳). از محتوای ترجمه‌های تفسیری ارائه شده از این آیه، رساندن پیام و نه معانی عبارات و جملات متن به وضوح قابل مشاهده است. اصلی‌ترین دلیل برای این سخن، آوردن مصادیق برای «ناشطات» و «نشط» است که به نوعی پیشی گرفتن بر روش قرآن بوده و تنها بر پایه اظهارات تفسیری برخی مفسران و یا روایاتی است که از باب جری و تطبیق قابل گزارش بوده و استفاده از آن در ترجمه قرآن امری اشتباه است. در حالی که شاید هنرمندانه‌ترین وجه ترجمه، آن باشد که در مقابل یک لفظ، به کوتاه‌ترین ترجمه اکتفا نموده و در عین حال سعی در ارائه بهترین معنا برای آیه، بدون ذکر مصداق داشت؛ لذا

می‌توان نحوه ترجمه این گروه را بر مبنای اصل «پیشی گرفتن از متن»، مورد نقد قرار داد؛ زیرا آیه، ضمن معرفی نکردن مصداق، تنها از یک واژه در دو قالب نحوی استفاده نموده است و مترجم می‌بایست تا حد امکان همین شیوه را در پی گرفته و برای «ناشطات» متناسب با ویژگی‌های کلامی این کلمه، معادلی مناسب در زبان فارسی ارائه می‌کرد. از این‌رو، هنر مترجم، در آن است که علاوه بر رعایت قالب کلمه، به ریشه واحد این دو نیز، توجه داشته و طوری ترجمه کند که یک معنای واحد در دو قالب، ارائه گردد. یعنی رعایت شیوه‌ای که خداوند متعال در استفاده از این ریشه به‌کار برده است.

۵- رویکرد پیشنهادی

برای ارائه مدل ترجمه این آیه و ریشه آن، یعنی واژه «نشط»، باید به دو نکته مهم که البته در طی مقاله بدان اشاراتی شد، توجه داشت:

نخست آن‌که، باتوجه به سیاق موضوعی واژه در کل قرآن که یکی از بهترین راه‌های معادل‌یابی معنایی برای یک واژه است و بی‌بهره بودن واژه «نشط» از این سیاق، تنها راه برای ترجمه این نوع از واژگان، توجه به سیاق آیات هم‌نشین و در صورت کوتاه بودن سوره، توجه به غرض اصلی آیات قبل و بعد است، لذا با توجه به آیات پیشین و پیسین، انجام امور توسط مأموران الهی، اصلی‌ترین غرض این آیات به‌شمار می‌آید.

دوم آن‌که، آیه در عین عدم سخن از مصداق، در قالب‌های واژگانی، از ریشه «نشط» استفاده کرده است و در نتیجه، معنایی که برای «ناشطات» به‌کار می‌رود باید برای «نشطاً» نیز به شرط رعایت قالب فاعلی و مفعولی به‌کار رود.

بر همین اساس و به‌منظور گریز از درافتادن به دامان ترجمه تحت‌اللفظی و عدم ارائه مصداق، همچون ترجمه تفسیری و آزاد و نیز برای رهایی از نقد وارد بر ترجمه وفادار، که همان برگزیدن معنایی بدون دلیل است، به‌نظر می‌رسد در این آیه بهترین نوع ترجمه، استفاده از روش ترجمه محتوایی است؛ زیرا این روش ترجمه که به ترجمه معنایی نیز

موسوم است، خوش‌خوان‌تر از سایر روش‌های گفته شده است (جواهری، ۱۳۸۴: ۱۴۴) و در طی آن، فرآیند کشف معنا به‌درستی انجام می‌گیرد (جلالی، ۱۳۸۹: ۱۲۵). این فرآیند همان نکته‌ای است که در ترجمه آیات ابتدایی سوره نازعات و به‌خصوص آیه مورد بحث، قابل مشاهده بوده و در قالب استفاده از سطوح مختلف سیاق در آیه، تفحص معنایی در کتب لغت و توجه به گزینه‌های حدیثی صادر شده درباره این آیه ارائه می‌شود؛ و این فرآیند به نوعی توجه به مؤلفه‌های معنایی است که منجر به کشف بهتر معنای آیه و ریشه «نشط» می‌شود.

همچنین برای ترجمه مفعول مطلق «نشطاً»، با توجه به مدل‌های ترجمه شده در سیاق‌های مشابه همانند آیه: «كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» (نساء/۱۰۴)، باید مفعول مطلق را متناسب با هم‌ریشه اولیه خود که پیش از آن آمده، ترجمه نمود و از آن‌جائی که مفعول مطلق برای تأکید بیان، نوع یا عدد استفاده می‌شود (ن.ک: سیوطی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۲۱)، در این آیه نیز معنای در نظر گرفته شده برای «نشطاً» باید تأکیدی بر واژه «ناشطات» بوده و تناسب معنایی ریشه اصلی این دو کلمه یعنی همان «تغییر و دگرگونی» و عدم معرفی مصداق در سیاق آیه در نظر گرفته شود. اما نکته اساسی آن است که اگر مترجم بخواهد ریشه معنایی «ناشطات» یعنی «تغییر دادن» را در قالب مفعول مطلق ترجمه کند و به‌عنوان مثال بگوید: «و (قسم به) تغییردهندگان (امور) تغییر دادنی»، این معادل برای خواننده فارسی زبان نامفهوم بوده و خواهد پرسید «تغییر دادنی» به چه معناست؟

لذا از آن‌رو که اصل وجود مفعول مطلق برای تأکید هم‌ریشه اولیه خود است و در این آیه قصد تأکید این مطلب را دارد که انجام‌دهندگان امور، حقیقتاً سستی نداشته، کم نگذاشته و وظیفه خود را به‌درستی انجام می‌دهند، پس استفاده از معادل فارسی «حقیقی»، «واقعی»، «اصلی» و کلماتی از این قبیل برای خواننده فارسی زبان، ملموس‌تر خواهد بود. افزون بر آن‌که، به‌علت کثرت وجود معانی و مصادیق ذکر شده برای این واژه، به‌نظر می‌رسد ذکر قدر متیقن تمامی این مصادیق و معانی، با توجه به ویژگی‌های

زبان فارسی، به درک معنای حقیقی آیه کمک بیش‌تری خواهد نمود. لذا براساس مطالب گفته شده مدل پیشنهادی نگارندگان برای بازگردانی آیه این است: «و (قسم به) تغییردهندگان حقیقی (امور)».

۶- نتیجه‌گیری

- ۱- آیه ۲ سوره نازعات با ریشه «نشط» یکی از واژگان تک‌کاربرد قرآن‌کریم است که فقدان سیاق مشابه در سایر آیات ترجمه آن را با دشواری همراه کرده است.
- ۲- مترجمان فارسی زبان قرآن‌کریم در برخورد با آیه مذکور، از سه روش ترجمه تحت اللفظی، وفادار و تفسیری استفاده کرده‌اند که بر هریک نقدهایی قابل دفاع وارد است.
- ۳- در ترجمه واژه «نشط» و به تبع آن کل آیه، به دو نکته مهم: عدم ارائه مصداق توسط آیه و برگزیدن معنا با دلیل، باید توجه نمود؛ زیرا غفلت از هریک، موجب درافتادن به خطاهای ذکر شده در سه رویکرد مذکور خواهد شد.
- ۴- با توجه به نقدهای وارده، به نظر می‌رسد رویکرد محتوایی، بهترین روش برای ترجمه آیاتی از این قبیل است که فاقد مؤلفه‌های کمکی در یافتن معنا هستند. این رویکرد به دلیل استفاده از فرآیند کشف معنا، کاستی‌های سایر روش‌ها را تا حد زیادی پوشش خواهد داد.
- ۵- براساس براهین گفته شده در پژوهش، از جمله: عدم وجود دلیل در رجحان یک معنا و نیز براساس معانی موجود در کتب لغت و استفاده از سیاق قرآنی واژه و مستندات روایی، مبنی بر وجود تناقض‌های معنایی درباره این آیه، ترجمه پیشنهادی این پژوهش معادل «قسم به تغییردهندگان حقیقی (امور)» است.

۷- پی‌نوشت

- ۱- حسینی، بی‌بی زینب، پژوهشی درباره واژگان تک‌کاربرد در قرآن‌کریم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۳.

بررسی و نقد گونه‌های معنایی واژه «نشط» در ترجمه‌های قرآن کریم _____ زهرا حیدری آبروان و حکیمه حسینی

- ۲- برای اطلاع از انواع ترجمه رک: قلی‌زاده، حیدر، روش‌های ترجمه و توصیف زبان شناختی آن‌ها، بینات، پاییز ۱۳۸۳، شماره ۴۳، صص ۱۳۴-۱۴۴.
- ۳- ن.ک: ترجمه ابوالقاسم پاینده، قرآن ناطق، یادداشت مترجم، ص ۲۳۹.
- ۴- ن.ک: حسینی سید علی اکبر، دلایل ناکارآمدی نظریه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن، پژوهش‌های قرآنی، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۵۶، صص ۵۲-۸۷.
- ۵- البته گفته می‌شود که «نشط» واژه‌ای مستعمل در عربی است که کاربردی ندارد (ن.ک: آزه‌ری، ۱۴۲۱ق، ۲۱۳/۱۱).

۸- منابع

- ۱- آدینه‌وند لرستانی، محمدرضا، *کلمة الله العلیا* (ترجمه قرآن کریم)، تهران: اسوه، (۱۳۷۷ش).
- ۲- آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن، چاپ چهارم، تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، (۱۳۷۴).
- ۳- ابن سیده، علی بن اسماعیل، *المحکم و المحيط الأعظم*، چاپ: اول، بیروت: بی‌نا، (۱۴۲۱ق).
- ۴- ابن درید، محمد بن حسن، *جمهرة اللغة*، چاپ: اول، بیروت: بی‌نا، (۱۹۸۸م).
- ۵- ابن‌قتیبه، عبدالله بن مسلم، *تأویل مشکل القرآن*، محقق: شمس‌الدین، ابراهیم، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، (۱۴۲۳ق).
- ۶- ابن‌فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، چاپ: اول، قم: بی‌نا، (۱۴۰۴ق).
- ۷- ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، چاپ: اول، بیروت: بی‌نا، (۱۴۲۱ق).
- ۸- ارفع، کاظم، ترجمه قرآن، چاپ: اول، تهران: فیض کاشانی، (۱۳۸۱ش).
- ۹- الهی‌قمشه‌ای، مهدی، ترجمه قرآن، چاپ: دوم، قم: فاطمه الزهراء، (۱۳۸۰ش).
- ۱۰- امینیان، کرم‌خدا، ترجمه قرآن، چاپ: اول، قم: اسوه، (۱۳۸۴ش).
- ۱۱- امین، نصرت‌بیگم، *تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن*، چاپ: اول، بی‌نا، (بی‌تا).
- ۱۲- انصاریان، حسین، ترجمه قرآن، چاپ: اول، قم: اسوه، (۱۳۸۳ش).
- ۱۳- بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، چاپ: اول، قم: بی‌نا، (۱۳۷۴ش).
- ۱۴- برزی، اصغر، ترجمه قرآن و نکات نحوی آن، چاپ: اول، تهران: بنیاد قرآن، (۱۳۸۲ش).
- ۱۵- بروجردی، محمد ابراهیم، ترجمه قرآن، چاپ: ششم، تهران: کتابخانه صدر، (۱۳۶۶ش).

- ۱۶- پاکتچی، احمد، «ترکیب‌های اضافی در ترجمه قرآن کریم»، علوم قرآن و حدیث، شماره ۱، صص ۱۲۱-۱۳۱، (۱۳۷۶ش).
- ۱۷- پاینده، ابوالقاسم، ترجمه قرآن، چاپ: پنجم، تهران: جاویدان، (۱۳۵۷ش).
- ۱۸- پورجوادی، کاظم، ترجمه قرآن، چاپ: اول، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، (۱۴۱۴ق).
- ۱۹- ثقفی تهرانی، محمد، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، چاپ: دوم، تهران: برهان، (۱۳۹۸ق).
- ۲۰- جلالی، سیدلطف الله، «ترجمه معنایی از نظر میلدرد لارسون»، عیار پژوهش در علوم انسانی، شماره ۳، صص ۱۱۹-۱۳۶، (۱۳۸۹).
- ۲۱- جواهری، سیدمحمد حسن، «پژوهش در انواع ترجمه قرآن کریم»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴۲، صص ۱۳۶-۱۵۹، (۱۳۸۴).
- ۲۲- حجتی، مهدی، گلی از بوستان خدا، چاپ: ششم، قم: بخشایش، (۱۳۸۶ش).
- ۲۳- حسینی، بی بی زینب، پژوهشی درباره واژگان تک‌کاربرد در قرآن کریم، چاپ: اول، قم: بوستان کتاب، (۱۳۹۳).
- ۲۴- حسینی سید علی اکبر، «دلایل ناکارآمدی نظریه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۶، صص ۵۲-۸۷، (۱۳۸۶).
- ۲۵- حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم، چاپ: اول، دمشق، بی‌نا، (۱۴۲۰ق).
- ۲۶- خانی کلکای، حسین؛ حلال خور، کوثر، «بررسی ترجمه و معادل ساختاری مفعول مطلق با محوریت ترجمه فولادوند (بررسی موردی سوره نساء)»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۲، صص ۸۹-۱۱۸، (۱۳۹۴).
- ۲۷- خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، چاپ: اول، تهران: کتابفروشی اسلامیه، (۱۳۹۰ق).
- ۲۸- خرم‌دل، مصطفی، تفسیر نور، چاپ: چهارم، تهران: احسان، (۱۳۸۴ش).
- ۲۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ: اول، بیروت: بی‌نا، (۱۴۱۲ق).
- ۳۰- رهنما، زین‌العابدین، قرآن مجید با ترجمه و جمع‌آوری تفسیر، چاپ: اول، تهران: سازمان اوقاف، (۱۳۵۴ش).

بررسی و نقد گونه‌های معنایی واژه «نشط» در ترجمه‌های قرآن کریم _____ زهرا حیدری آبروان و حکیمه حسینی

- ۳۱- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ترجمه قرآن، چاپ: اول، قم، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، (۱۳۸۴ش).
- ۳۲- زبیدی، ماجد ناصر، التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایة أهل البيت، چاپ: اول، بیروت: دارالمحجة البيضاء، (۱۴۲۸ق).
- ۳۳- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، چاپ: اول، تهران: سر الاسرار، (۱۳۷۲ش).
- ۳۴- سراج، رضا، ترجمه قرآن، چاپ: اول، تهران: سازمان چاپ دانشگاه، (۱۳۹۰ق).
- ۳۵- سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمى بحر العلوم، چاپ: اول، بیروت: دارالفکر، (۱۴۱۶ق).
- ۳۶- سیوطی، عبدالرحمن، النهجۃ المرضیة فی شرح الألفیة، چاپ اول، قم: مکتب الأعلام الاسلامی، مرکز النشر، (۱۴۱۷ق).
- ۳۷- شاه ولی الله، احمد بن عبدالرحیم، ترجمه قرآن، چاپ: اول، سراوان: کتابفروشی نور، (بی تا).
- ۳۸- شیبانی، اسحاق بن مرار، کتاب الجیم، چاپ: اول، قاهره: بی نا، (۱۹۷۵م).
- ۳۹- صادق نوبری، عبدالمجید، ترجمه قرآن، چاپ: اول، تهران: اقبال، (۱۳۹۶ق).
- ۴۰- صفوی، محمدرضا، ترجمه قرآن بر اساس المیزان، چاپ: اول، قم: دفتر نشر معارف، (۱۳۸۸ش).
- ۴۱- صفی علی شاه، محمدحسن بن محمدباقر، تفسیر قرآن صفی علی شاه، چاپ: اول، تهران: منوچهری، (۱۳۷۸ش).
- ۴۲- صلواتی، محمود، ترجمه قرآن، چاپ: اول، تهران: مبارک، (۱۳۸۷ش).
- ۴۳- صیادانی، علی؛ بازیار، رسول، «نقدی بر معروف‌ترین روش‌های ترجمه قرآن کریم»، پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، شماره ۳، صص ۱-۱۸، (۱۳۹۴).
- ۴۴- طاهری قزوینی، علی اکبر، ترجمه قرآن، چاپ: اول، تهران: قلم، (۱۳۸۰ش).
- ۴۵- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ: پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، (۱۳۷۴ش).

- ۴۶- طبرانی، سلیمان بن احمد، *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*، چاپ: اول، اردن، اربد: دار الكتاب الثقافی، (۲۰۰۸م).
- ۴۷- طبرسی، فضل بن حسن، *جوامع الجامع*، چاپ: اول، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، (۱۳۷۵ش).
- ۴۸- طبری، محمدبن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ: اول، بیروت: دارالمعرفة، (۱۴۱۲ق).
- ۴۹- طنطاوی، محمد سید، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، چاپ: اول، قاهره: نهضة مصر، (۱۹۹۷م).
- ۵۰- عاملی، ابراهیم، *تفسیر عاملی*، چاپ: اول، تهران: کتابفروشی صدوق، (۱۳۶۰ش).
- ۵۱- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعة، *تفسیر نور الثقلین*، چاپ: چهارم، قم: بی‌نا، (۱۴۱۵ق).
- ۵۲- فارسی، جلال‌الدین، *ترجمه قرآن*، چاپ: اول، تهران: انجام کتاب، (۱۳۶۹ش).
- ۵۳- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، چاپ: دوم، قم: بی‌نا، (۱۴۰۹ق).
- ۵۴- فولادوند، محمدمهدی، *ترجمه قرآن*، چاپ: سوم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، (۱۴۱۸ق).
- ۵۵- فهیمی حجازی، محمد، *زبان‌شناسی عربی*، ترجمه سید حسین سیدی، تهران: سمت، (۱۳۷۹).
- ۵۶- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، *تفسیر الصافی*، چاپ: دوم، تهران: بی‌نا، (۱۴۱۵ق).
- ۵۷- قرشی بنابی، علی‌اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، چاپ: دوم، تهران: بنیاد بعثت (مرکز چاپ و نشر)، (۱۳۷۵ش).
- ۵۸- قلی‌زاده، حیدر، «روش‌های ترجمه و توصیف زبان شناختی آن‌ها»، *بینات*، شماره ۴۳، صص ۱۳۴-۱۴۴، (۱۳۸۳).
- ۵۹- کاویان‌پور، احمد، *ترجمه قرآن*، چاپ: سوم، تهران: اقبال، (۱۳۷۲ش).
- ۶۰- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار*، چاپ: دوم، بیروت: بی‌نا، (۱۴۰۳ق).

- ۶۱- موسوی گرمارودی، علی، ترجمه قرآن، چاپ: دوم، تهران: قدیانی، (۱۳۸۴ش).
- ۶۲- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ترجمه قرآن، چاپ: اول، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، (۱۳۸۵ش).
- ۶۳- مشکینی اردبیلی، علی، ترجمه قرآن، چاپ: دوم، قم: نشر الهادی، (۱۳۸۱ش).
- ۶۴- مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، چاپ: دوم، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، (۱۳۷۳ش).
- ۶۵- نسفی، عمر بن محمد، تفسیر نسفی، چاپ: اول، تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، (۱۳۷۶ش).
- ۶۶- یاسری، محمود، ترجمه قرآن، چاپ: اول، قم: بنیاد فرهنگی امام مهدی، (۱۴۱۵ق).
- ۶۷- مغنیه، محمدجواد، تفسیر کاشف، چاپ: اول، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، (۱۳۷۸ش).
- ۶۸- مصباح‌زاده، عباس، ترجمه قرآن، چاپ: اول، تهران: بدرقه جاویدان، (۱۳۸۰ش).
- ۶۹- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ: اول، تهران: بی‌نا، (۱۳۶۸ش).
- ۷۰- مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، چاپ: اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۳ق).
- ۷۱- معزی، محمدکاظم، ترجمه قرآن، چاپ: اول، قم: اسوه، (۱۳۷۲ش).
- ۷۲- مهنا، عبدالله علی، لسان اللسان، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، (۱۴۱۳ق).
- ۷۳- میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عده الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، چاپ: پنجم، تهران: امیر کبیر، (۱۳۷۱ش).
- ۷۴- نجارپوریان، علی، کدام نوع ترجمه را انتخاب کنیم، رشد آموزش قرآن، شماره ۲۶، صص ۱۱-۱۶، (۱۳۸۸).
- ۷۵- نیجیری، عبدالله بن فودی (بی‌تا)، الحصن الرصین فی علم التصریف، چاپ اول، محقق: حسین، محمد صالح، نیجریه، کانو: دارالامة، (بی‌تا).